

نقدی بر رویکرد قانون‌گذار ایران در قبال بزه‌کاری سبز

محسن شریفی*

چکیده

در اهمیت محیط‌زیست همین بس که اصل پنجاهم قانون اساسی حیات رو به رشد نسل امروز و فردا را در گرو حفظ آن دانسته است. صورت مؤکد حمایت از این موهبت الهی، کاربست تدبیرهای کیفری در قبال رفتارهای مخرب آن است. ضرورتی که در منابع بین‌المللی از جمله اعلامیه استکهلم و کنوانسیون استراسبورگ نیز به‌خوبی احساس شده است. نظام کیفری ایران در این راستا، مقررهای معتابھی را در گذر زمان وضع و هر بار در بُعدی جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرده است. شدت این اهتمام را می‌توان در افساد فی‌الارض پنداشتنِ پخش گسترده مواد سمی و میکروبی خطرناک توسط ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ملاحظه کرد. با این‌همه، پرسش این است که حمایت‌های کیفری صورت گرفته، چندان است که از مطلوبیت کافی برخوردار و به‌نحو مؤکد پیش‌گیرنده باشند؟ حسب ادعای این پژوهش که روش آن، توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعاتش کتاب‌خانه‌ای است، به‌سبب نقص‌های هم‌چنان موجود در سیاست کیفری کنونی، چه در حوزه جرم‌انگاری و چه در حیطه کیفرگذاری از جمله عدم توصیف جزایی برخی رفتارهای تهدیدکننده محیط‌زیست، تحدید اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد در تعقیب متخلفان این قلمرو، عدم مسؤولیت کیفری دولت در تعرض به پدیده مورد اشاره و نابازدارندگی جزای نقدی اغلب بزه‌های سبز پاسخ، منفی است.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری، جزای نقدی، سازمان‌های مردم‌نهاد، محیط‌زیست، مسؤولیت کیفری دولت.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

سرآغاز

دگرگونی‌های ناشی از انقلاب صنعتی از آغاز تاکنون، در زمینه‌های متنوعی چون ترابری، استخراج گسترده نفت، تجهیزات پزشکی، افزایش فراورده‌های کشاورزی و دامی به موازات رشد نرخ جمعیت جهان، شگرف و مشهود است. با این حال، نباید بُعد نگران‌کننده این قضیه را در به هم زدن تعادل زیست‌کره و تهدید سلامت و بقای موجودهای آن، از مجرای تخریب جنگل‌ها، استفاده‌ی از سوخت‌های فسیلی، نشت‌های نفتی، کاهش لایه‌ی اوزون، ورود انواع آلاینده‌ها به اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، ساماندهی غیراصولی پس‌ماندها، شیوه ناصحیح استفاده از سموم دفع آفات، خشکانیدن تالاب‌ها، آلودگی آب‌های زیرزمینی و صید بی‌رویه آبزیان و جانداران خشکی به بوته فراموشی سپرد (رحیمی و خدارحمی، ۱۳۹۷: ۴۲۳-۴۲۲). به‌عنوان نمونه عینی، ورود گاز CO₂ به جو بر اثر جنگل‌زدایی، کشور اندونزی را به بزرگ‌ترین ساطع‌کننده این گاز در جهان تبدیل کرده است. همین‌طور، ورود سالانه بیش از پنج میلیون نفت خام به خلیج فارس بر اثر نشت نفت از لوله‌ها، تأسیسات نفتی و تخلیه آب بالانس کشتی‌ها به فاجعه زیست‌محیطی دهه نخست قرن جاری انجامید (Michel and Pandya and Sobel, 2010: 12-132؛ پوراحمد و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

وضعیت زیست‌محیطی ایران هم چندان خوشایند نیست. چه، به‌عنوان مثال، یکی از مشهورترین باتلاق‌های واقع در جلگه مرتفع مرکزی ایران موسوم به گاوخونی؛ منطقه ارزشمند به وسعت ۴۷۶ کیلومتر مربع، سرشار از منابع زیستی غنی و پناهگاه پرندگان مهاجر که به سبب سدسازی‌های غیرعلمی و در نظر نگرفتن موضوع حق‌آبه و خشک‌سالی‌های پیش‌آمده، رو به خشکیدن گذارده است (خدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۸-۱۱۷). هم‌چنین، تغییر اقلیم به سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از بخش‌های انرژی‌زا به‌ویژه در حوزه‌ی نفت، عملیات کشاورزی و مدیریت نادرست پسماند در مناطق مختلف، سلامت انسان‌ها و دیگر موجودها را نشانه گرفته است. در حالی که جهان در تکاپوی جایگزینی انرژی تجدیدپذیر با سوخت‌های فسیلی به سر می‌برد، آمار

استفاده از منابع تجدیدنپذیر در ایران رو به صعود بوده است. مؤید این نکته، مصرف انرژی از ۳۷۰ میلیون بشکه نفت خام در سال ۱۳۷۰، به ۱۱۹۵/۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۹۶ است (مجبایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۷). از آن رو که ضمانت‌اجراهای حقوقی و انضباطی در ممانعت از وقوع چنین رویدادهایی از جانب اشخاص ناکافی نشان داده‌اند، مداخله حقوق کیفری در نیل به این مقصود امری ناگزیر بوده است. به این خاطر، در نظام حقوقی ایران، مقرره‌های متنوعی در دوره‌های مختلف تصویب و برای رفتارهایی نظیر آلوده‌سازی آب، هوا و فضای سبز، شکار، صید و حیوان‌آزاری، تعرض به حریم دریا و رودخانه و تخریب جنگل‌ها و مراتع تعیین کیفر شده است. حال مسئله این است که آیا سیاست کیفری اتخاذشده در این چارچوب، از جامعیتی که باید، برخوردار است یا نه؟

پیشینه تحقیق در این خصوص، درخور و مبرهن‌کننده بخشی از واقعیت است. از جمله اثر چاپ‌شده از نشر میزان تحت عنوان *بزه‌کاری سبز اثر اسداله کشاورز (۱۳۹۹)* که علاوه بر تشریح بنیان‌های نظری جرم‌انگاری در حوزه محیط‌زیست، به تفصیل به منابع ملی و فراملی این قضیه و جلوه‌های جرم‌های قابل تحقق و ارزیابی پاسخ‌های کیفری ناظر به آن‌ها پرداخته است. با این همه، متعرض بحث‌هایی چون خسارت‌تنبیهی و امکان‌سنجی مسئولیت کیفری دولت نشده است. «تروریسم زیست‌محیطی در حقوق کیفری ایران و فرانسه و تطبیق آن با جرم‌انگاری‌های مشابه در ایران» هم مقاله مفیدی است که از جانب علی‌رضا میرکمالی و همکارانشان (۱۳۹۷) در *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی* دانشگاه تهران چاپ شده است. با این حال، ورودی به مطلب‌هایی از جمله نقد موضع قانون‌گذار در عدم جرم‌انگاری شروع به ارتکاب گونه‌هایی از جرم‌های زیست‌محیطی نکرده است. همین‌طور، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* به انتشار مقاله‌ی «جبران خسارت جرائم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل» از امین جعفری و اصغر احمدی (۱۳۹۸) همت گماشته است و به‌رغم دربرداشتن نوآوری‌های غیرقابل‌انکار، بر ترمیمی بودن ماهیت جبران خسارت مورد اشاره متمرکز و از ارزیابی

وجه دیگر آن، یعنی خسارت تنبیهی پرهیز کرده است. در هر شکل، ساختار این پژوهش که معطوف به جنبه‌های مغفول مانده آثار مورد ذکر و دیگر تحقیق‌های صورت گرفته در این وادی است، این چنین است که در بندهای چهارگانه این نوشتار در مقام آسیب‌شناسی نظام عدالت کیفری سبز، به ترتیب، به همه‌جانبه نبودن جرم‌انگاری در قلمرو بحث، مصونیت کیفری دولت، نابازدارندگی جزای نقدی جرم‌های این حیطة و نقش کم‌فروغ سازمان‌های مردمی در فرآیند دادرسی پرداخته شده است.

۱. عدم جرم‌انگاری طیفی از آسیب‌های زیست‌محیطی

به همان میزان که تلقی مجرمانه از رفتار شهروندان به شرط کفایت ضمانت اجراهای انضباطی و مدنی در تنظیم مناسبت‌های اجتماعی‌شان غیرضروری است و زننده آسیب به نظام عدالت کیفری، وصف جزایی نبخشیدن به کنش‌های ناقض ارزش‌های بنیادی نیز در صورت نابسند بودن واکنش‌های مزبور، معقول نمی‌نماید. از همین رو، با هدف پیش‌گیری از بزه، به قید اصل‌های پذیرفته‌شده‌ای چون منع ضرر، قانون‌گرایی اخلاقی، پدرسالاری و کردار آزردهنده (اردبیلی، ۱۴۰۰ الف: ۶۰-۵۴؛ عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)، نه تنها می‌توان، بلکه باید دست به جرم‌انگاری و کیفرگذاری زد. سیاستی که از جانب قانون‌گذار ایران به‌رغم وضع مقرره‌های کیفری بسیار در حفاظت از محیط‌زیست، گاه دنبال نشده است. مثل عدم اشاره به رفتار مجرمانه مستقلی به نام تروریسم زیست‌محیطی؛ همانی که در سال ۱۹۹۲ توسط نظام‌های کیفری فرانسه مفهوم یافته است (میرکمالی و حاجی‌وند و صفری، ۱۳۹۷: ۴۴۲-۴۳۹). این البته بدین معنی نیست که نتوان به ماده ۲۸۶ استناد جست و مرتکب را به سبب تبعات گسترده این رویداد، از حیث افساد فی الارض تعقیب کرد.

به همین ترتیب، درحالی‌که قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ اصلاحی ۱۳۷۵، با هدف حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهی، برای آتش‌سوزی عمدی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی تعیین کیفر کرده است (تبصره ۱ ماده ۱۳)، از توصیف جزایی

آتش‌سوزی در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش به طرز عمدی غفلت کرده است. با وجود این، موضع قانون ملی‌شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۲ و جرم‌انگاری‌های صورت گرفته در فصل ششم از قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب مرداد ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی قابل اعتنا بوده و می‌تواند در رفع این خلأ مؤثر و فروگشا باشد. چندان‌که در ماده ۴۷ قانون اخیر، برای آتش زدن عمدی جنگل توسط افراد عادی، سه تا ده سال و توسط مأموران جنگل‌بانی، حداکثر این میزان تعیین شده است. همین‌طور، در واکنش به کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت هم علاوه بر جزای نقدی، حبس از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته شده است (ماده ۴۶). مورد دیگر، جرم ندانستن آزار و اتلاف حیوانات اهلی غیرحلال‌گوشتی مانند سگ، گربه و الاغ است؛ مرگ‌ها و نقص عضوایی که جریحه‌دار شدن افکار عمومی و نیز اعتراض انجمن حمایت از حیوانات را در پی داشته است. رویه قضایی نیز در مواجهه با این پدیده سرگردان است؛ چندان‌که برخی از مراجع، مبادرت به صدور قرار منع تعقیب متهمان به‌ویژه در خصوص کشتن سگ‌های به اصطلاح ولگرد کرده‌اند (شعبه ۱۷ دادپاری دادرسی عمومی و انقلاب شیراز، مورخ ۱۳۹۴/۴/۱، نقل از کشاورز، ۱۳۹۹: ۱۱۴). در برابر، برخی، چاره کار را در مصداق فعل حرام دانستن آسیب به این موجودها دانسته و مرتکبان را به استناد ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی محکوم به تحمل شلاق تعزیری از جمله برای آتش زدن الاغ کرده‌اند (دادنامه شماره ۸۷۰۹۹۷۳۱۱۲۰۰۴۱۷، شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی فسا). بدیهی است که جرم‌انگاری دقیق و بی‌شبهه این دست از اعمال به هدف صیانت از اصل قانونی بودن، بایسته‌تر از توسل به عنوان‌های کلی این‌چنینی است.

وصف کیفری نداشتن شروع به جرم بسیاری از رفتارهای ضد محیط‌زیستی به دلیل برخورداری از مجازاتی غیر از حبس، نظیر شکار و صید غیرمجاز به استناد ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، یا سلب توصیف جزایی از این مرحله متعاقب وضع قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ به سبب تنزیل درجه حبس آن‌ها از به

کمتر از پنج، مانند تخریب تاکستان یا نخلستان غیر، مانع دیگری برای تعقیب اشخاصی است که در آستانه بزه‌کاری در این زمینه، خارج از اراده خود متوقف شده‌اند. به این ترتیب، اگر کسی به قصد به آتش کشیدن باغ انگور ده هکتاری رقیب شغلی‌اش، عملیات اجرایی را آغاز و اما با مداخله به هنگام کارگران باغ مجاور ناکام بماند، دادستان به درخواست مالک برای تعقیب مرتکب وقعی نمی‌نهد. چون وضع و حال شروع‌کننده جرم، به همان میزان مرتکب جرم تام، به حال اجتماع خطر ساز است، عدم مسئولیت کیفری او در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی که اغلب واجد حبس درجه شش تا هشت و یا برخوردار از یک یا چند ضمانت اجرایی جز این هستند، موجه نمی‌نماید.

قانون‌گذار در قلمرو موضوع بحث همچون دیگر حیطه‌ها، بنا به اصل، اقدام‌های عمدی خطر ساز را جرم پنداشته است. با وجود این، در موردهایی به‌درستی برای اعمال غیر عمدی مبتنی بر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نیز تعیین کیفر کرده است. مثل بند (ه) ماده ۱۳ قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶، اصلاحی ۱۳۷۵ که برای ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش‌سوزی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت‌شده یا پناهگاه‌های حیات وحش بر اثر بی‌مبالاتی یا عدم رعایت مقررات محیط‌زیست یا تخلف از نظامات دولتی، حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون هشت صد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار، اعمال هر دو مجازات را تجویز کرده است. از آن رو که بسیاری از گزندهای وارد بر محیط‌زیست در سایر زمینه‌ها نیز ریشه در خطای فاحش اشخاص دارد، جا داشت که از باب ضرورت، جرم‌انگاری آن‌ها هم در دستور کار قرار می‌گرفت. چه پذیرفته نیست، عنصر تقصیر در واکنش کیفری نسبت به رویدادهایی نظیر رانندگی‌های زیان‌بار تعیین‌کننده و در مواجهه با اشکال آسیب‌های زیست‌محیطی تهدیدکننده حیات انسان‌ها و دیگر مظهرهای حیات، غیر مؤثر باشد.

از حیث نمونه، قانون هوای پاک که در ردیف مصوبه‌های واجد اهمیت سال‌های اخیر قرار دارد، به‌رغم کاربست تدبیرهای پیش‌گیرنده و سرکوبنده متنوع در قبال

آلاینده‌ها هوا به‌خصوص کارخانه‌ها، معادن و واحدهای بزرگ، صراحتی مبنی بر به رسمیت شناختن جنبه غیرعمدی رفتار آن‌ها ندارد. در عوض، اقدام‌های عدیده‌ای چون انباشت پسماندهای بیمارستانی و صنعتی در معابر عمومی و فضای باز یا سوزاندن آن‌ها و انباشتن پسماندهای خانگی و ساختمانی در معابر عمومی و فضای باز خارج از مکان‌های تعیین شده توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، مشمول مسئولیت مطلق قرار گرفته‌اند (ماده ۲۰). شایان ذکر است، سمینار خط‌مشی اروپایی حفاظت از محیط‌زیست نیز در سال ۱۹۹۲، جرم‌های زیست‌محیطی را از حیث رکن روانی به دو سنخ عمدی و مبتنی بر خطا و تقصیر تقسیم کرده است (باقری، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵).

باری، موردهای پیش‌گفته و ده‌ها مصداق دیگری که مجال ذکرشان در این نوشتار نیست، زنجاری هستند بر این که نمی‌توان از یک سو، دست به حمایت کیفری‌گزینشی و ناقص از ارزش‌های زیست‌محیطی زد و از دیگر سو، انتظار عدم نقض آن‌ها را به‌ویژه از جانب سوداگرانی را داشت که در تدارک تأمین منافع سرشار خود از این رهگذرند. البته این حقیقت، به معنی وانهادن راهبردهای غیرکیفری و تکیه محض به تدبیرهای سرکوبنده در این وادی نیست. بل، سخن بر اجتناب‌ناپذیری جرم‌انگاری آن دسته از اقدام‌های ضد محیط‌زیستی تاکنون نادیده‌گرفته‌شده‌ای است که جز از این طریق، تحت انقیاد نظام عدالت قرار نخواهند گرفت.

۲. مصونیت کیفری دولت در قبال تعرض به محیط‌زیست

نقش دولت‌ها در ورود آسیب جدی و گاه جبران‌ناپذیر به اجزای محیط‌زیست و تهدید منافع بنیادین نسل حال و آینده‌ی بشر، همواره مایه‌ی بیم بوده است. روایت عینی این قضیه بی‌شمار است. در شاخه برون‌مرزی می‌توان کشورهای قاره‌ای و جزیره‌ای آسیای جنوب شرقی را مثال زد که هریک به سبکی در ایجاد وخامت شرایط اقلیمی دخیل بوده‌اند. یک مورد، تولید گاز CO₂ از مجرای تخریب جنگل‌ها در اندونزی توسط

دولت و دیگر اشخاص است که این کشور را به بزرگ‌ترین ساطع‌کننده این گاز سمی در جهان بدل و مردم منطقه و سایر موجودهای آن را با گونه‌های عوارض مواجه کرده است (پوراحمد و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۰). مورد درخور ذکر دیگر، زایش زباله‌های معدنی، ایجاد صخره‌های زباله، فرسایش اسیدی که فرجامش مسمومی آب‌های زیرزمینی و روزمینی و اختلال بوم‌شناسی آن خطه بوده است (Michel and Pandya and Sobel, 2010: 131-132). در منطقه خلیج فارس هم اوضاع به سبب ورود سالانه بیش از پنج میلیون تن نفت خام در آب ناشی از نشت لوله‌ها، تأسیسات نفتی، تخلیه آب بالانس نفت‌کش‌های حامل رو به بحران گذاشته است. احتمال تشدید بحران از آن‌روست که بر پایه تحقیقات، نفت در عین فایده‌مند بودن، متشکل از ترکیبات متفاوتی از جمله پلی سیکلیک آروماتیک هیدروکربن‌ها (PAHs)^۹ است که بالقوه سرطان‌زاست (شیرانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

در بُعد داخلی هم می‌توان به اقدام وزارت راه و شهرسازی و متصدیان استانی و شهرستانی این نهاد در عدم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و تخریب درختان جنگلی، نهرها و یا رودخانه‌ها در امر احداث جاده (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۶۰) و یا به وضعیت تراژیک بزرگ‌ترین دریاچه‌ی شور جهان واقع در ارومیه اشاره کرد که تا هم‌اینک بیش از شصت و پنج درصد آب خود را-از سی و دو میلیارد به چهارده و نیم میلیارد مترمکعب- از دست داده است. در بیان موجب‌های واقعه اخیر، می‌توان به کاهش بارندگی، ایجاد خاکریز میان‌گذر، برداشت بی‌رویه نمک، برداشت غیراصولی آرتمیا، استقرار تأسیسات صنعتی خشک‌کننده تالاب‌های مجاور، دخل و تصرف در منابع آب منطقه، خشک‌زایی فزاینده پدیده تبخیر، مبادرت دولت در احداث سی و پنج سد منجر به محرومیت دریاچه از دریافت پنج و نیم میلیارد مکعب آب از مجرای بیست و یک رودخانه اشاره کرد (احمدی و اکبرزاده، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۲).

موضع نظام کیفی در تقابل با وضعیت‌هایی از این دست درخور تأمل است. قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به‌موجب ماده ۱۴۳ بر پایه نظریه نمایندگی، مسؤولیت

فراگیر اشخاص حقوقی را در قبال عموم جرم‌های مستوجب تعزیر و دیه (با اتمام به ماده ۲۰ و تبصره ماده ۱۴) مورد پذیرش قرارداد تا نقطه عطفی را در تاریخ حقوق کیفری ایجاد کرده باشد (شریفی، ۱۳۹۸: ۱۲۲-۱۱۷؛ جعفری، ۱۳۹۵: ۲۵)، اما در جواب این پرسش که آیا از این رهگذر، تمام قسم‌های اشخاص حقوقی در قبال نقض قانون از جمله استانداردهای زیست‌محیطی، تابع حقوق کیفری شده‌اند و از مسئولیت برخوردار، باید گفت: در ارتباط با اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نظیر شرکت‌های تجاری و مؤسسه‌های غیرتجاری، پاسخ مثبت است (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۲۵-۲۶)؛ اما درباره اشخاص حقوقی عمومی‌ای چون دولت به اعتبار نوع عملکرد، تفکیک صورت گرفته است. به این شکل که اگر در چارچوب امور حاکمیتی از قبیل قانون‌گذاری محاکمه و مجازات مجرمان، تأمین امنیت داخلی و خارجی و فرمان جنگ یا صلح (امامی و استوار سنگری، ۱۴۰۰: ۳۳-۳۵)، جرمی مرتکب شوند، پاسخ‌گو نیستند. به عکس، اگر از رهگذر تصدی‌گری مانند کشاورزی، حمل‌ونقل، ساخت‌وساز، عملیات بیمه‌ای، تولید خودرو و امور ورزشی مرتکب نقض قوانین کیفری شوند، واجد مسئولیت کیفری‌اند (اطلاق ماده ۱۴۳ و مفهوم مخالف تبصره آن).

به این ترتیب، دولت در قبال جرم‌های شکل‌گرفته به واسطه اعمال حاکمیت^۱ مسئولیتی نخواهد داشت. اساس این نظر که در میان حقوق‌دانان خارج از کشور هم جایگاه دارد، آن است که چون این نهاد، مهم‌ترین مظهر شخصیت حقوقی و یگانه تعقیب‌کننده و مجازات‌دهنده دیگران است، شایسته نیست که اقدام به مواخذه خود کند. وانگهی، در پرتو چنین مسئولیتی، اقتدار او در سطح داخل رو به کاهش خواهد گذارد (جام بزرگ و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۳-۲۸۱). به علاوه، اجرای برخی از مجازات‌ها نظیر جزای نقدی نسبت به دولت، بی‌اثر است. چه، مبلغی از خزانه کشوری خارج شده و دوباره به آن بازگشت داده می‌شود (Ashworth, 2006: 152). هم‌چنین، اختلال یا توقف

۱. برای مطالعه بیشتر راجع به معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران ر.ک (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۹۹-۲۲۰).

در خدمات‌رسانی عمومی در نتیجه انحلال نهادهای دولتی، عاقبت ناگوار دیگر است (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹: ۱۴۸-۱۴۹: ۱۵: 2011: Deckert).

با این حال، مخالفان این تحلیل از جمله پیش‌گامانی مانند مارک آنسل بر این باوراند که دولت، به اعتبار داشتن قدرت، ثروت و منافع اقتصادی هنگفت، بیش از هر شخصیت حقوقی دیگر در مظان ارتکاب جرم‌هایی مثل آلاینده‌گی محیط‌زیست و سایر آسیب‌های معطوف به آن قرار دارد. پس ایجاب می‌کند که به اقتضای اصل همسانی همگان در برابر قانون، مواخذه شده و تاوان پس دهد (نقل از حاجی‌وند و میرکمالی، ۱۳۹۷: ۶۶). این گفته که دولت چون متولی کیفری دهی دیگران است، بایسته نیست که خود را مجازات کند، کامل نیست. این مرجع با تشبیه خویش به شهروندان اطمینان می‌بخشد که بیش از هر کس، پذیرنده تبعات نقض قانونی بوده که سابق بر آن، وضعش کرده است (عبداللهی و فرازمهر، ۱۳۹۸: ۲۶۹). به تعبیر آلفرد ون محقق نامدار فرانسوی: «به هنگام ورود به اجتماع پذیرفته‌ام که از قانون‌هایی که خود به منزله‌ی یک شهروند در تکوین آن‌ها مباشرت داشته‌ام، پیروی نمایم. این من هستم که به‌عنوان قانون‌گذار باید شخص خود را به سبب نقض قانون مورد تعقیب قرار دهم» (عبداللهی و فرازمهر، ۱۳۹۷: ۷۲).

به‌علاوه، پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح نیز در پرتو ضمانت اجرای مناسبی چون اجبار نهادهای حاکمیتی به ترمیم وضعیت جرم‌زا، ممکن است. البته رواست که از ابزار انحلال به دلیل داشتن عواقب ناروایی چون بیکار شدن پرسنل مگر در مورد‌های معدودی مثل تکرار جرم یا انحراف شخص حقوقی از هدف مشروع نخستین و تخصیص فعالیتش به جرم، استفاده نشود (Wells, 2011: 92-93).^۸ در این صورت هم دولت می‌بایست از طریق بیمه کردن زیان‌دیدگان یا به کار گماردن آنان در موقعیت شغلی جدید، جبران مافات کند. مطابق این تحلیل، کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از انجام یک‌رشته مطالعه‌ی مفصل در این زمینه در سال ۱۹۷۶، مفهوم جرم دولتی را مطرح و با تصویب اکثریت اعضا به امکان مسؤولیت کیفری این نهاد نظر داد (عبداللهی،

در جواب این پرسش که مجموعه اقدام‌های دولت در حفظ محیط‌زیست و پیش‌گیری از هدر رفت منابع آن، از باب اعمال حاکمیت است یا تصدی، باید گفت: با توجه اهتمام اصل ۵۰ قانون اساسی به این مهم و تأکید بر ضرورت حفظ آن به‌عنوان مأموریتی همگانی و این‌که حفظ امنیت ملی در گرو حفظ امنیت زیست‌محیطی است، منطقی است که ایفای نقش مرجع یادشده در این بُعد را امری حاکمیتی پنداشت. مؤید این تلقی، ماده ۱۳۵ قانون‌های برنامه پنج‌ساله سوم و چهارم توسعه و قسمت‌هایی از قانون پنجم - از جمله ماده ۱۴۷ در توجه به جنگل‌ها - بخش نهم قانون برنامه ششم و ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ است که به مناسبت، به آن تصریح کرده‌اند.

پرسش دیگر این‌که تعرض نهادهای دولتی به هریک از مظهرهای محیط‌زیست یا صدور مجوز در این‌باره برای دیگران، در کدام‌یک از این تقسیم‌بندی می‌گنجد؟ برخی، سوای هر تشخیص و مرزبندی، دولت را به‌عنوان یک قوه قهریه، موظف به مقابله با مجرمان این حوزه، همچون دیگر قلمروهای اجتماعی دانسته‌اند (حاجی‌وند و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۵). این پاسخ، مبهم و غیرقانع‌کننده است؛ چه، محرک یک سازمان عمومی در ارتکاب جرم مورد گفت‌وگو نمی‌تواند و رای هدف‌های فرادست ناظر به انتظام امور و تثبیت فرمانروایی کشور یا غرض‌های فرودست مربوط به تأمین منافع اقتصادی دولت باشد. مورد نخست، مثل آلودگی هوا از طریق تخریب پمپ بنزین توسط پلیس در هنگامه سرکوب شورشگران برای ایجاد ترس میان اذهان و مورد دوم، نظیر تخریب غیرضرور بخشی از جنگل شمال کشور برای احداث کارخانه تولید خودرو برای رونق آن ناحیه از طرف وزارت صنعت و معدن است. در هر شکل، قانون‌گذار برای مورد اخیر و یا هر رفتار مجرمانه دیگر مبتنی بر تصدی، قائل به مسئولیت کیفری ارگان‌های این‌چنینی شده است، زیرا علاوه بر اجرای اصل مساوات برای همه، امکان تفویض این امور به بخش خصوصی به‌منظور عدم اختلال در خدمت‌رسانی به مردم وجود دارد؛ اما

در مورد مثال نخست و یا اقدام‌های مجرمانه دیگر مرتبط با حکمرانی، بنا به وضعیت پیش‌گفته، برای این اشخاص مسؤولیتی تعیین نشده است.

پوشیده نماند که پذیرش مسؤولیت کیفری دولت در زمینه بحث‌شده، مسؤولیت کیفری شخص یا اشخاص حقیقی مقصری چون مدیران را نفی نمی‌کند و بنابراین، آن‌ها نمی‌توانند از مسؤولیت کیفری کارفرماهای حقوقی خویش، مفری برای گریز خود از محاکمه بیابند. از این گذشته، جبران ضرور و زیان ناشی از جرم از این طریق، محتمل‌تر است، زیرا به سبب مسؤولیت تضامنی، اموال شخصی کارگزاران هرآینه در معرض توقیف قرار دارد. این است که از یک‌طرف، مجمع عمومی اشخاص حقوقی را در انتخاب مدیران، دقیق و نکته‌سنج خواهد کرد و از طرف دیگر، مدیران منتخب، نظارت دقیق‌تری را نسبت به اعمال کارگزاران اشخاص حقوقی در ممانعت از هرگونه نقض مقررات زیست‌محیطی خواهند داشت (جعفری، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۵). قسمت اخیر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، دلالت بر هم‌سویی قانون‌گذار با این ایده دارد.

این‌ها همه اما به معنای نبود ابزار دفاعی در اختیار اشخاص نام‌برده از جمله دولت برای رفع مسؤولیت از خود نیست. آن‌ها خواهند توانست با اثبات انجام کوشش‌های لازمی چون منع صریح پرسنل به احتراز از هر نوع تخلف، آموزش ضوابط و مقرره‌های زیست‌محیطی به آنان، تنبیه داخلی افراد متماد حسب ضوابط صنفی، جبران خسارت‌های به بار آمده از این رهگذر و به کار بستن تدبیرهای لازم برای جلوگیری از تکرار وقایع مشابه، از تحمل آثار جزایی رفتار کارگزاران به اصطلاح آتش به اختیار، معاف شوند. به همین نحو، اشخاص مزبور قادر به رفع اتهام از خود با اثبات قرار گرفتشان در معرض اکراه یا اجبار خواهند بود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ب: ۳۲؛ حسنی، ۱۳۸۹: ۲۵۱-۲۴۹). به این ترتیب، چنانچه ناخدا و پرسنل برخی از کشتی‌های روانه آب‌شده، به‌رغم مساعی شرکت متبوع در جلوگیری از وقوع جرم زیست‌محیطی و هشدارهای داده‌شده در این‌باره، آن‌ها را مرتکب شوند؛ مثل صید غیرمجاز ماهی‌های خاویاری، یا واردکردن پسماند، آب‌سیاه^{۱۰} و ماده‌های زائد نفتی به دریا، مسؤولیت، تنها مأخوذ به

آن‌هاست. به‌عکس، اگر راهبرد یا طرز مدیریت یک شخص حقوقی، کارگزاران را بر پایه این‌گونه شبهه‌های موضوعی به ارتکاب جرم موصوف سوق دهد، مسؤولیت فقط معطوف به شخص حقوقی راهبر خواهد بود. پس امکان صدور هم‌زمان حکم‌های متفاوت و به‌ظاهر متضاد از جانب دادگاه برای شخص حقوقی و حقیقی در قضیه‌ای واحد آن‌طور که یکی از آن‌ها تبرئه و دیگری محکوم شود، ناممکن نیست. عدم شفافیت ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و به‌طور کلی نظام کیفری ایران در این باره، در حالی است که رژیم حقوقی کشورهای چوون هلند به شیوه یادشده رفع مشکل کرده‌اند (Keulen & Gritter, 2010:08-9).

اشاره به این مطلب خالی از اهمیت نیست که در واکنش به اعمال زیان‌بار اشخاص حقوقی، خسارت تنبیهی نیز می‌تواند ایده‌ای قابل دفاع و سزاوار سکنی‌گزینی در نظام حقوقی ما فراتر از گستره‌ی ترسیمی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت خارجی مصوب ۱۳۹۱ باشد. نهادی برآمده از رویه قضایی انگلستان از سال ۱۷۶۳^۱ که به‌رغم جایگاه نیافتن در سندهای بین‌المللی تا این لحظه، اما در سطح داخلی، مورد اقبال جدی کشورهای مختلفی از خانواده کامن‌لا از جمله آمریکا و اتریش، بسیاری از کشورهای پیرو نظام رومی-ژرمنی مانند آلمان و در ادامه، کشورهای اسلامی پیرو یکی از این دو سیستم مانند مصر و لبنان، قرار گرفته است. (خسروی فارسانی و موسی‌پور، ۱۳۹۱: ۵۱). سازوکار مزبور، نوعی خسارت غیرترمیمی به هدف تنبیه، منفعت‌زدایی^۲ و بازدارندگی عامل زیان از تکرار اقدام‌های مخرب و بازداشت سایرین از انجام رفتارهای همانند است و این، سوای محکومیت به پرداخت خسارت ترمیمی به‌منظور جبران مافات و اعاده وضع زیان‌دیده به گذشته است؛ نکته‌ای که در قانون مدنی جدید از ژانویه ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شده کشور چین نیز

۱. در رسیدگی به دعوی ویلکس علیه وود.

۲. مقصود، بر هم زدن محاسبه‌گری و اندیشیدن تمهیدهای لازم توسط شخص حقوقی برای سود بردن ناشی از نقض قانون است.

مورد درج و تأکید قرار گرفته است (Janssen and Wang, 2022: 347-346). میزان خسارت تنبیهی به این ترتیب، برخلاف خسارت ترمیمی، بر اساس مؤلفه‌های ناظر به وضعیت مرتکب، نظیر درجه‌ی جسارت و تجری‌آش در ارتکاب یک رفتار ناصواب و انتفاع وی از این طریق و نه بر مبنای میزان صدمه به وقوع پیوسته، تعیین می‌شود. متعاقب این رویکرد، آرای صادرشده از مرجع‌های قضایی آمریکایی و انگلیسی، گاه به بیش از هفت‌صد برابری خسارت تنبیهی نسبت به خسارت ترمیمی نظر داشته است (Janssen and Wang, 2021: 350).

تا پیش از سال ۱۳۷۸، چنین خسارتی در حقوق داخلی ایران به جهت اکتفا به اصل بازگشت وضع قربانی به حالت پیشین یا ابقای آن، مبنایی نداشت. تا این‌که آرای زیاد صادرشده تحت این عنوان از دادگاه‌های ایالت متحده آمریکا علیه دولت ما از جمله حکم به پرداخت دویست و چهل‌وهفت میلیون دلار در حق خانواده خانم فلاتو^۱ در سال ۱۹۹۸ و توقیف حساب بانکی ایران در کشور ایتالیا در سال ۲۰۰۶، موجب واکنش متقابل با وضع قانون مذکور در سال ۱۳۷۸ و اصلاح و تکمیل آن در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۱ شد.^۳ با وجود عدم ابتدای خسارت تنبیهی بر درمان و التیام و به‌عکس، اهتمام به هدف‌های مجازات به خصوص تنبیه و بازدارندگی از این رهگذر، نمی‌توان آن را مجازات به معنی اخص پنداشت. زیرا پرداخت آن متوقف بر ارتکاب جرم نیست و در فرض ارتکاب جرم نیز به اعتبار جنبه مدنی موضوع خواهد بود. به اضافه، میزان آن را نه قانون، بلکه دادگاه مشخص کرده و به حساب قربانی واریز می‌شود. البته این به

۱. Flatow

۲. سبب صدور این رأی، کشته شدن هفت سرباز اسرائیلی و یک دانشجوی بیست ساله آمریکایی به نام الیسا میشل فلاتو در پی عملیات انتحاری در سرزمین اشغالی فلسطین در نوار غزه با توجیه حمایت مالی و غیرمالی ایران از گروه حماس و جهاد اسلامی بود.

۳. از حیث نمونه، رأی شعبه سوم دادگاه حقوقی تهران مبنی بر محکومیت دولت آمریکا به پرداخت دو میلیارد دلار خسارت تنبیهی به‌واسطه مداخله‌اش در کودتای بیست و هشتم مرداد، بدین منظور صادر شد (داراب‌پور و سلطانی احمدآبادی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۳).

معنای داشتن وجهه کامل حقوقی این پدیده نیست؛ چه همان‌گونه که بیان شد، مقدار آن، نه تابع صدمه شکل گرفته که فرع بر خدعه، سودجویی، سوءنیت و ناعادلانه‌بودن رفتار خالق صدمه مشخص می‌شود. از این رو، می‌توان آن را بهره‌مند از ماهیتی شبه کیفری دانسته و به مبحث شبه جرم‌ها ربط داد. باری، اگرچه قانون‌گذار ایران تاکنون نسبت به خسارت تنبیهی وقعی نشان نداده است^۱، لیکن، پذیرش آن کمک خواهد کرد که به‌ویژه در حوزه محیط‌زیست، اشخاص سواد طلب با محکومیت سنگین مالی مواجه و به نحوی محسوس تعذیب شوند. مجازات نبودن چنین ضمانت اجرایی، راه را برای اعمال آن در حق اشخاص حقوقی حقوق عمومی دولتی که هنوز در تأیید مسؤلیت کیفری‌شان تردید وجود دارد و از طرفی، بیش‌ترین آسیب‌های زیست‌محیطی مربوط به فعالیت آن‌هاست، هموار خواهد کرد.

۳. تدارک جزای نقدی ناکارآمد برای اغلب بزه‌های سبز

بررسی همه ضمانت‌های اجرایی کیفری جرم‌های زیست‌محیطی نوشتار مستقلی می‌طلبد و در این مجال، تنها به ارزیابی جزای نقدی از آن رو که در بیش‌تر مقرره‌های کیفری این حیظه مورد اهتمام واقع شده و با این حال، از سیاست منسجم و کارآمدی جز در برخی موردها برخوردار نبوده است، پرداخته می‌شود. بر پایه ایده جاری، در تأمین هدف پیامدگرای حقوق کیفری و بازداشتن بزه‌کاران بالفعل و بالقوه از ارتکاب جرم، خوب است که مجازات، ضمن بهره‌مندی از کمیت و کیفیتی درخور، به‌طور قطع و در نخستین فرصت در حق مجرم به اجرا درآید. چه، عزم اشخاص در نقض هنجارهای اجتماع سست نخواهد شد، جز آن‌که در ترازوی سنجش احتمال‌ها، مضاری

۱. به‌عنوان مثال، در لایحه اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، پیشنهاد این نوع خسارت را حذف کرد.

بیش از منافع مورد انتظار را تشخیص دهند (Bank, 2012: 105). وایت، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۲؛ حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۳).

دقت در برخی مقرره‌ها نشان می‌دهد که نوع شدتی که به این ابزار بخشیده شده، معقول و در جهت بازداشت از لطمه به محیط‌زیست است. کما این‌که تبصره ماده ۹ قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸، برای نهادهای وزارت‌های بهداشت و کشاورزی و نیز سازمان ملی استاندارد در صورت عدم رعایت دستورالعمل‌ها، تکلیف‌ها و مقرره‌های حافظ حاصلخیزی خاک، تکلیف به پرداخت جزای نقدی دو تا شش برابر ارزش کالا را مقرر کرده است. همین‌طور، تبصره (۱) قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ که مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی که نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید و یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار فعالیت خود اقدام نکنند را، علاوه بر جبران خسارت وارده، به پرداخت جزای نقدی سه تا پنج برابر خسارت وارده به محیط‌زیست تهدید کرده است. تحمیل جزای نقدی معادل سه درصد درآمد ناخالص سالانه بر مالکان و مدیران امتناع‌کننده از انتقال واحده آلاینده به نقطه مناسب در مهلت مقرر، رویکرد اتخاذشده دیگری توسط ماده ۱۴ قانون مزبور است. این راهکار، سوای از داشتن ظرفیت بازدارندگی بالا در رفع تبعیض و برقراری عدالت کیفری بین اشخاص متخلف با میزان دارایی متفاوت، مؤثر است (کشاورز، ۱۳۹۹: ۲۲۷).

دغدغه این است که قانون‌گذار در همه احوال وفادار به این سیاست نبوده و با اخذ سویه‌ای مورد انتقاد، درجه بازدارندگی کیفر مورد بحث را تنزل بخشیده است. از باب مثال می‌توان به ماده ۳۰ همین قانون اشاره کرد که اشخاص حقوقی نقض‌کننده حدود تعیین شده برای انتشار امواج رادیویی، الکترو مغناطیسی، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز را هم‌میزان با اشخاص حقیقی، مستحق محکومیت به جزای نقدی درجه پنج دانسته است. در حالی که انتظار می‌رفت، به سبب قوت بنیه مالی نهادهای حقوقی در قیاس با افراد، حکم به واریز کسری از گردش مالی سالانه آن‌ها به خزانه دولت داده می‌شد یا دست‌کم، از الگوی هرچند ناکامل ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی در

محکومیت اشخاص حقوقی، به میزان دو تا چهار برابر لحاظ شده برای اشخاص حقیقی برای جرم مشابه، گرتنه‌برداری می‌شد.

مورد دیگر، فراهم کردن موجبات آلودگی هوا از جانب مالکان، مسئولان یا رؤسای مراکز اداری و بهداشتی، درمانی، خدماتی و تجاری است که به موجب تبصره (۱) ماده ۱۷ مصوبه یادشده، با ضمانت اجرایی جز جزای نقدی درجه هشت توأم نشده است یا در واکنش به آلودگی صوتی به‌رغم بدل شدنش به یکی از مهم‌ترین معضله‌های امروزیین جامعه شهری، تنها، حکم به جزای نقدی ده میلیون تا بیست میلیون ریال از منبع‌های ثابت و متحرک داده شده است (ماده ۲۹). هرچند، در اجرای ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، این مبلغ‌ها به تناسب نرخ تورم اعلام‌شده توسط بانک مرکزی قابل تعدیل‌اند، اما نه به‌گونه‌ای که در برابر نهادهای صنعتی و تجاری ثروتمند بازدارنده باشند.

حتی در مصداق‌هایی که قانون‌گذار در برخورد با جرم زیست‌محیطی حبس را نیز پیش‌بینی کرده است، قضیه به دلیل تسامح قضات اغلب ختم به محکومیت مرتکب به جزای نقدی غیر مؤثر می‌شود. برای مثال، با وجودی که ماده ۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶، اصلاحی ۱۳۷۵، برای حمل، عرضه، فروش و صدور جانوران وحشی زنده یا کشته شده و یا اجزای آن‌ها، جزای نقدی یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال و یا حبس از یک ماه تا شش ماه مقرر کرده است، شعبه اول دادگاه عمومی بخش آباد طشک، متهم به زنده‌گیری پرندگان وحشی از پارک ملی بختگان را به سه میلیون ریال جریمه محکوم کرده است (دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۷۵۱۲۶۰۰۲۳، نقل از کشاورز، ۱۳۹۹: ۱۰۷). این خط‌مشی، نه به سبب احتراز آگاهانه و کیفرشناختی از تبعات سوء حبس که به جهت ذهنیت مقام‌های قضایی در فرعی پنداشتن این قبیل رفتارها در قیاس با بزه‌های حوزه اموال، اشخاص و امنیت است.

این روند، موجبات صدور بخش‌نامه‌های معتنا‌بھی از سوی قوه قضاییه را در برهه‌های مختلف به هدف در اولویت قرار گرفتن سیاست مبارزه با بزه‌های زیست‌محیطی فراهم کرده است. مجموعه متونی که ضمن مورد عتاب قرار دادن قضات

سهل گیر در این قضیه، آن‌ها را به اتخاذ منش سخت‌گیرانه و پرهیز از اعمال نهادهای ارفاقی اختیاری به‌ویژه تخفیف مجازات در حق متعرضان زیست‌بوم رهنمون و ترغیب به رسیدگی خارج از نوبت، تشکیل شعبه‌های تخصصی در هر دو سطح دادسرا و دادگاه و نیز، ضرورت ارجاع پرونده‌های امر به ضابطان خاص کرده‌اند (همچون بخش‌نامه‌های شماره‌های ۲۱/۶۷/ب/ش-۱۴/۹/۱۳۶۷؛ ۱۳۷۹/۹/۹-۱/۷۹/۱۴۱۷۶؛ ۲۸/۸۳/۲۸۰۷-۱۳۸۳/۲/۱-۹۰۰/۶۹۴/۱۴۰؛ ۱۳۹۶/۱/۲۱ و ۹۰۰۰/۴۶۹/۳۰۰۱-۱۳۹۶/۲/۲۸). به این‌سان، نتیجه سیاست جنایی تقنینی نامنسجم در زمینه بزه‌کاری سبز، ظهور سیاست جنایی بخش‌نامه‌ای است که به‌رغم چاره‌جویی برای برون‌رفت از مشکل، به نتیجه بغرنج‌تری چون نقض اصل قانونی بودن در هر دو حوزه‌ی شکلی و ماهوی دامن زده است. بدیهی است که فرق است، بین سیاست فراقانونی مزبور و سیاست جنایی قضایی متوازنی که در چارچوب قانون، متضمن اعطای برخی اختیارات اصولی به قضات صادرکننده و مجری حکم جهت اخذ تصمیمی شایسته و کاربست طریقی درخور حسب داده‌های مندرج در پرونده شخصیت مرتکب جرم است (منصورآبادی، ۱۴۰۰: ۵۰؛ یزدان‌جعفری، ۱۳۹۸: ۲۱۵).

راه مقرون به صواب برای خروج از این وضعیت متشتت، اتکای قانون‌گذار به سازوکارهای اصولی در جهت تقویت تخصیصه بازدارندگی جزای نقدی است تا ضمن تنظیم واکنش مناسب در برابر بزه‌های محیط‌زیستی، مجالی برای شکل‌گیری راه‌حل‌های فراقانونی باقی نگذارد (صبوری‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹-۶۶). ازجمله این‌که تدبیر اندیشیده شده در قانون هوای پاک مبنی بر اخذ سهمی از گردش مالی سالانه را که می‌تواند تا پنج درصد هم ارتقا یابد، به تمام جرم‌های زیست‌محیطی به وقوع پیوسته توسط شرکت‌های تجاری، مؤسسه‌های انتفاعی تسری دهد. این امر، در رژیم کیفری انگلستان هم با تعیین درصدی از گردش مالی اشخاص حقوقی (پنج درصد سه سال آخر) برای تحمیل جزای نقدی به آنان مورد توجه قرار گرفته و برای منظور، دادگاه از اختیار صدور قرار دسترسی به اسناد مالی برای پی بردن به تراز مالی شخص حقوقی متهم

برخوردار شده است. در صورت عدم همکاری مدیران در ارائه اسناد مورد درخواست، تشخیص این مرجع در تعیین هر مبلغ، ملاک خواهد بود (Matthew, 2008: 121-122). در مورد اشخاص حقوقی غیرتجاری و مؤسسه‌های غیرانتفاعی، در صورت ورود خسارت قابل محاسبه، محکومیت آن‌ها به چند برابر میزان آن در محدوده‌ای چون سه تا شش برابر مناسب می‌نماید؛ نظیر شیوه‌ای که پیش‌تر در نظام کیفری فرانسه تجربه شده است (Deckert, 2011: 170-171). در غیر این صورت، گزینه معقول، تعیین جزای نقدی در کسوت یکی از درجه‌های موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی - به‌عنوان مثال شش تا دو - است. در این حالت، دولت به‌جای تعدیل نرخ جزای نقدی یک به یک جرم‌ها پس از چندی، کافی است که با افزایش مبلغ درجه‌های هشت‌گانه بر پایه شاخص اعلام‌شده بانک مرکزی در مدت موردنظر، همه آن‌ها را متأثر از خود کند. گرچه، به سبب تورم مستمر موجود در جامعه، کاهش دوره تغییر در نظر گرفته‌شده در ماده ۲۸ قانون نام‌برده، از سه سال به یک سال منطقی‌تر است. درباره اشخاص حقیقی مالک یا متصدی کارخانه یا هر واحد مولد یا مالی دیگر، اصولی‌ترین شیوه، کسر درصدی از درآمد سالانه است. در غیر این وضعیت، دریافت جزای نقدی از آنان طبق درجه از پیش تعیین شده به شکل پیش‌گفته، عادلانه است.

۴. تحدید اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی

شک نیست که اهتمام به مؤسسه‌های غیردولتی غیرانتفاعی و تجویز امکان مداخله آن‌ها در فرآیند دادرسی به هدف تعقیب کیفری بزه‌کاران محیط‌زیست توسط ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، تدبیری مهم در تقویت سیاست جنایی مشارکتی بوده است. قانون‌گذار به‌منظور بهبود عملکرد این‌گونه سازمان‌های مردم‌نهاد، با متصور شدن جایگاهی فراتر از یک اعلام‌کننده محض برای آن‌ها، اجازه داده که علاوه بر حضور در جلسه‌های دادگاه، در دفاع از مدعی خود و انتساب بزه زیست‌محیطی به متهم، هر آنچه باید را بیان و ارائه دلیل کنند (خالقی، ۱۴۰۰: ۱۰۰). به این منظور، نماینده سازمان،

عهده‌دار انجام این مهم در هر دو مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی است. این فرصت برای ارگان‌های مزبور مغتنم است که اضافه بر کوشش در جهت ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی جامعه و تبدیل کردن آن به اولویتی درجه نخست از مجرای آموزش همگانی و ارتقای سطح آگاهی‌ها، از پشتوانه فضایی نیز در حفظ این ارزش سود ببرند (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

اهمیت کار اینان در تعقیب قانون‌گریزان زمانی برجسته‌تر می‌نماید که پای بزه‌دیده خاصی در میان نبوده و قربانی اقدام زیان‌بار، خود طبیعت خاموش و حیات وحش بی‌دفاع باشد. به‌عکس، آنجا که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده مشخص باشد، صرف‌نظر از قابل‌گذشت بودن یا نبودن آن، اخذ قبولی او جهت هرگونه اقدام مشارکت جویانه ضروری دانسته شده است (تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون مزبور). ایراد وارد به رویکرد قانون‌گذار از آن روست که در توسعه مشارکت این تشکل‌ها چندان که باید تدبیر به خرج نداده است، زیرا نه‌تنها از مداخله در امر کیفری به‌عنوان شاکی برحذرشان داشته که حق تجدیدنظرخواهی از رأی صادره را هم از آن‌ها سلب کرده است. محدودیتی که البته متوجه دیگر سازمان‌های مردمی هوادار موضوع‌های غیر محیط‌زیستی هم شده است. به این ترتیب، انتظار حفاظت مقتضی از هوا، خاک، آب، رستنی‌ها، حیات وحش و سلامت انسان‌ها در پرتو چنین اختیارات محدودی، دور از واقع خواهد بود. در واکنش به این پرسش که آیا سازمان‌های مورد‌گفت‌وگو، حق شرکت در جلسه دادگاه تجدیدنظر و بیان مطالب را در آن مرحله هم دارند یا نه، با توجه به اشاره ماده بالا به «تمام مراحل دادرسی»، پاسخ مثبت است.

فرجام سخن

چنین به دست آمد که نظام حقوقی ایران با تخصیص بخش‌هایی از سندهای بالادستی خود به محیط‌زیست، از جمله قانون‌های پنج‌ساله توسعه، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نیز، تصویب قانون‌ها و مقرره‌های پایین‌دستی در برهه‌های مختلف، در حمایت از این

ارزش بنیادی برآمده است. غایت این توجه را در اصل پنجاهم قانون اساسی می‌توان نهفته دید که حیات اجتماعی رو به رشد نسل امروز و فردا را در گرو حفظ پدیده مزبور دانسته و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی مغایر با آن را منع کرده است. این‌گونه می‌نماید که تدبیرهای پیش‌بینی‌شده در مصوبه‌های ذی‌ربط، بسیاری از جلوه‌های زیست‌بوم را مانند جنگل‌ها، مرتع‌ها، پوشش‌های گیاهی، هوا، آب، خاک، گونه‌های جانوری و مهم‌تر از همه، انسان به ما هو انسان را مورد حمایت حقوقی و کیفری قرار داده‌اند.

این‌ها همه اما به معنی کفایت آنچه انجام شده، برای کنترل فعالیت‌های پرمخاطره اشخاص در این زمینه نیست، زیرا هنوز دولت و به‌طورکلی شخصیت‌های حقوق عمومی متکفل امور حاکمیتی که از قضا بیش‌ترین و جبران‌ناپذیرترین آسیب‌های زیست‌محیطی از جانب آن‌هاست، از جرگه تابعان حقوق کیفری خارج‌اند و جز مسؤولیت مدنی، تهدیدی متوجهشان نیست. هم‌چنین، گام برداشته‌شده در حمایت از این موهبت الهی از رهگذر تفویض اختیار به سازمان‌های مردم‌نهاد در اعلام جرم‌های صورت گرفته در این زمینه به مرجع قضایی و تجویز حضورشان در جلسه‌های دادگاه آن‌هم در همه مراحل دادرسی، به‌رغم مثبت بودن، ناقص است، زیرا از یک‌سو، امکان شکایت کردن و از دیگر سو، فرصت تجدیدنظرخواهی را از آن‌ها سلب کرده است. دیگر این‌که ناچیز بودن ضمانت اجرای جزای نقدی ارتکاب گونه‌هایی از جرم‌های زیست‌محیطی، ارتکاب آن‌ها را به کالایی قابل خرید تبدیل کرده است. افزون بر این‌ها، با وجود وضع مقرره‌های مختلف در پشتیبانی کیفری از محیط‌زیست، هستند شمار قابل اعتنائی از رفتارهای مخرب محیط‌زیست - نظیر نمونه‌های اشاره در متن - که هنوز توصیف جزایی نیافته‌اند. با این توصیف، پیشنهاد این است که:

۱. کنشگری مؤسسه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی دوستدار محیط‌زیست در فرآیند دادرسی به طریق‌هایی چون اعطای حق تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی به آنان تقویت شود؛

۲. دامنه جرم‌انگاری جرم‌های زیست‌محیطی مبتنی بر خطای کیفری، وسعت بخشیده شود؛
۳. اقدام‌های جریحه‌دارکننده افکار عمومی‌ای که تاکنون از قلمرو کیفری بیرون مانده است، از جمله آزار به حیوانات اهلی حرام‌گوشت، جرم‌انگاری شوند؛
۴. قدرت بازدارندگی جزای نقدی به اشکال مختلف با بسط راهکارهایی مثل مبنا قرار دادن گردش مالی سالانه کارخانه‌ها و شرکت‌های آلاینده محیط‌زیست تقویت شود؛
۵. مسئولیت کیفری دولت و نهادهای زیرمجموعه آن همچون شرکت نفت در قبال تعرض به محیط‌زیست پذیرفته شود؛
۶. نظر به اهمیت موضوع، زین پس از کد (قانون) جامع کیفری محیط‌زیست صحبت و بر مدار آن سیاست‌گذاری شود.

منابع

الف. فارسی

- احمدی، اصغر و دیگران (۱۳۹۶) «جرایم علیه محیط‌زیست در حقوق کیفری ایران و آلمان»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۷ شماره ۳۲، صص ۸۸-۶۳.
- احمدی، سیروس؛ اکبرزاده، محمد (۱۳۹۷) «پیامدهای سیاسی-امنیتی خشک شدن دریاچه ارومیه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۴ شماره ۳، صص ۱۲۷-۹۵.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰ الف) کلیات حقوق جزا، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰ ب) حقوق جزای عمومی جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- اژدری، علی (۱۳۹۴) شناسایی کانون‌های منشاء ریزگرد در استان خوزستان، طرح پژوهشی، سازمان صنعت و معدن.
- امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش (۱۴۰۰) حقوق اداری، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- باقری زرین‌قبایی، حسین (۱۳۹۶). ضمانت‌های کیفری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.

- پور احمد، احمد؛ حیدری، رقیه (۱۳۹۵) «بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- پوربافرانی، حسن و دیگران (۱۳۹۵) «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۸۷، صص ۳۷۳-۳۴۹.
- جام‌بزرگ، مریم و دیگران (۱۳۹۸) «مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست‌محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی»، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۲۵۸-۲۷۸.
- جعفری، امین؛ احمدی، اصغر (۱۳۹۸) «جبران خسارت جرائم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۶۱۳-۶۲۳.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵) «مبانی و اصول مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۲-۷.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۸) «مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدف‌مند»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۳۴-۱۰۱.
- حاجی‌وند، امین و دیگران (۱۳۹۷) «مسؤلیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم طبیعی، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۸۲-۶۵.
- خالقی، علی (۱۴۰۰) نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات حقوقی شهر دانش.
- حسنی، محمدحسن (۱۳۸۹) مطالعه تطبیقی مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قتل و صدمات بدنی در حقوق ایران و استرالیا، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رحیمی، حبیب‌الله؛ خدارحمی، نسرین (۱۳۹۷) «ابزارهای نظام قضایی برای مقابله با خسارت‌های زیست‌محیطی با تأکید بر اصل پیش‌گیرانه»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۴۴۶-۴۱۲.
- داراب‌پور، مهربان؛ سلطانی احمدآبادی (۱۳۹۴) «فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی»، مجله حقوقی بین‌الملل، دوره ۳۲، شماره ۵۲، صص ۹۰-۶۱.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۷) «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، *مجله فقه و حقوق*، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۱۵۶-۱۲۹. روزنامه شرق (۱۳۹۴) «جیوه و تأثیر آن بر سلامتی انسان»، سه‌شنبه، بیست و سوم تیرماه، شماره ۲۳۴۷.

زارعی، یاسمین (۱۳۹۳) *بررسی تطبیقی مجازات‌های جایگزین حبس در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. خدروی غریبوند و دیگران (۱۳۹۷) «بررسی روند تکاملی پهنه‌های گلی باتلاق گاوخونی با استفاده از مدل فرکتال»، دوره ۲۹، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۲۸.

خسروی فارسانی، علی؛ موسی‌پور، میثم (۱۳۹۱) «ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن‌لا؛ با مطالعه تطبیقی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۰-۴۹.

شریفی، محسن (۱۳۹۸) «تأملی بر مدل‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی». *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۲۲-۹۵.

شیرانی، مهرنوش و دیگران (۱۳۹۱) «ارزیابی آثار آلودگی خلیج فارس بر فعالیت سه نوع بایومارکر آنزیمی در آبشش ماهیان گل خورک: مطالعه‌ی منطقه بوشهر»، *نشریه محیط‌زیست طبیعی، منابع طبیعی ایران*، دوره ۶۷، شماره ۲، صص ۱۸۴-۱۷۵.

صبوری پور، مهدی (۱۳۹۴) «رفع مسئولیت کیفری بر اثر جهل حکمی»، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۸۷-۶۵.

طهماسبی، جواد (۱۳۹۸) *آیین دادرسی کیفری جلد اول*، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان. عبدالهی، افشین؛ فراز مهر، جواد (۱۳۹۸) «امکان اعمال ضمانت اجراهای کیفری در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی»، *پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۲۶، صص ۲۸۴-۲۵۱. عبدالهی، محسن (۱۳۸۶) «حمایت کیفری از محیط‌زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی»، *فصلنامه علوم محیطی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۷.

عبداللهی، محسن (۱۳۸۲) «چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، پژوهش‌های حقوقی»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۷
 قلی‌زاده حسین‌آبادی، حسین و دیگران (۱۳۹۵) «تأثیر آتش‌سوزی چاه‌های نفت کویت در جنگ خلیج فارس بر میزان بارندگی در جنوب ایران»، اولین کنفرانس بین‌المللی تغییر اقلیم.
<http://www.nacu.ir/poroje/927009/papers.html>

کشاورز، اسداله (۱۳۹۹) **بزه‌کاری سبز**، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
 مجابی، سید محمد و دیگران (۱۳۹۹) **دومین گزارش ارزیابی راهبردی در راستای نظارت بر حس اجرای سیاست کلی محیط‌زیست ایران**. تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته محیط‌زیست.

لطفی، حیدر؛ بقایی، حمید؛ موسوی، سید رضا؛ خیام‌باشی، سهیل (۱۳۸۹) «محیط‌زیست خلیج فارس و حفاظت از آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۹-۱.

ماری دوپوی، پیرار (۱۳۶۹) «ملاحظه‌هایی پیرامون جرم بین‌المللی دولت؛ ترجمه و تلخیص: علی حسین نجفی ابرندآبادی»، مجله حقوق بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۱۳، صص ۳۴۶-۲۴۵.
 مشهدی، علی (۱۳۹۶) **بنیادهای حقوق محیط‌زیست فرانسه**، چاپ دوم، تهران: نشر خرسندی.

منصور آبادی، عباس، (۱۴۰۰) **حقوق جزای عمومی (۱)**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
 موسوی مجاب، سید درید؛ رفیع زاده، علی (۱۳۹۴) «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، پژوهش‌های کیفری، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۶۹-۱۴۷.
 میرکمالی، علی‌رضا؛ حاجی‌وند امین؛ صفری فرشید (۱۳۹۷) «تروریسم زیست‌محیطی در حقوق کیفری فرانسه و تطبیق آن با جرم انگاری‌های مشابه در ایران». **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۴۴۵-۴۲۳.

نعیمی، سید مرتضی (۱۳۹۴) «تحلیل اقتصادی رفتار بزه‌کار و تبیین بازدارندگی مجازات»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۰۳.

واعظی، مجتبی (۱۳۹۴) «معیار عمل حاکمیت در حقوق ادای ایران»، *مجله مطالعات حقوقی*، شماره ۲، صص ۱۹۹-۲۲۰.

وایت، راب (۱۳۹۵) *جرایم زیست محیطی فراملی*، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

یزدان جعفری، جعفر (۱۳۹۸) *چرایی و چگونگی مجازات*، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

ب. انگلیسی

- Ashworth Andrew (2006) **Criminal Law** Oxford University Press; 5th edition. Banks, Cyndi (2012) **Criminal Justice Ethics: Theory and Practice**, Thousand Oaks, Calif: Sage Publications.
- Brodowski, Dominik & et al (2014) **Regulating Corporate Criminal Liability**, 4th Edition, Springer.
- Deckert, Kjersti (2011) “Corporate Criminal Liability in France” in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; **Corporate Criminal Liability**, Springer, pp. 147-176.
- Deckert, Kjersti (2011) **Corporate Criminal Liability in France** in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; **Corporate Criminal Liability**, Springer, pp. 147-176.
- Janssen Andre and Wang Jia (2021) **Punitive Damages under the New Chinese Civil Code—Acritical and Comparative Analysis**, Vol. 29, No. 2, pp. 346–365.
- Kulen, B.F & Gritter, E (2010) “Corporate Criminal Liability in the Netherlands”. **Electronic Journal of Cormarative Law**, Vol. 14.3, December, available at: <http://www.ejcl.org>.
- Janssen, Andre; Wang, Jia (2022) Punitive Damage under the New Chinese Civil code-article snd Comparative Analysis, 2(29), pp. 365-346.
- Matthews, R. (2008) **Guide to The Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007**, Oxford University Press.
- Michel, David; Pandya, Amit; Sobel, Corey (2010) **Scientific Intellectual, and Governance Cooperation on Emerging Environmental Challenges in the Muslim Word**, available in: https://cdn.mashregnews.Ir/old/files/fa/news/1390/4/7/75650_281.pdf

Wells, Celia (2011) "Corporate Liability in England and wales: past, Present, and Future" in: Pieth, Mark & Ivory, Radha, **Corporate Criminal Liability**, Springer, pp.91-112.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی